

عنوان: شناسایی و مصداق‌یابی راهبردهای یاددهی- یادگیری در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره اول متوسطه

اشرف میرحیدری^{۱*} و اباذر کافی موسوی^۲

چکیده	اطلاعات مربوط به مقاله
هدف پژوهش حاضر شناسایی و مصداق‌یابی راهبردهای یاددهی- یادگیری در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره اول متوسطه بوده است. رویکرد پژوهش کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. جامعه آماری از استادان دانشگاه فرهنگیان در دو حوزه علوم تربیتی و جامعه‌شناسی بوده و شیوه نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با انتخاب افرادی انجام شد که اطلاعات ارزشمند و غنی در ارتباط با موضوع پژوهش داشته‌اند. حجم نمونه را ۱۹ نفر از صاحب‌نظران در موضوع پژوهش تشکیل داده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده و معیار تعداد مصاحبه‌شوندگان، حصول اشباع و تکرار داده‌ها بوده است. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل ساختاری و تقسیری صورت گرفته است. جهت مدیریت و افزایش دقت در تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار <i>maxqda</i> استفاده شد و در زمینه تأیید اعتبار و دقت و صحت داده‌ها از چهار معیار باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که راهبردهای یاددهی- یادگیری الکترونیکی، مشارکتی، حل مسئله و پروژه محور از بین تمامی راهبردهای یاددهی- یادگیری مناسب‌ترین راهبردها جهت برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه اول بوده‌اند. از بین این چهار راهبرد دو راهبرد یاددهی- یادگیری الکترونیکی و مشارکتی دارای بیشترین فراوانی (۱۹ نفر) را از نظر مصاحبه‌شوندگان داشته‌اند.	کلید واژگان راهبردهای یاددهی- یادگیری، برنامه درسی، علوم اجتماعی، اول متوسطه

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Ash.mirheidari@cfu.ac.ir

۲. استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.kafi@cfu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

با پیچیده شدن جوامع، نیازهای فردی و اجتماعی نیز پیچیده‌تر می‌شوند. بدین سبب، وظیفه و مسئولیت معلمان امروز در فرایند آموزش و تدریس، سنگین‌تر و پیچیده‌تر شده است. آگاهی و شناخت معلمان از اصول و روش‌های علمی می‌تواند آن‌ها را در کار خود موفق سازد (میرزایی، ۱۴۰۲). در این میان، دوره متوسطه که به دوره تعلیمات عمومی شناخته می‌شود، دوره‌ای است که انتقال از دوران کودکی به اواخر دوره نوجوانی را بر عهده دارد. این دوره که از دوره‌های مهم، حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان به‌حساب می‌آید؛ دوره‌ای است که به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان، با سایر دوره‌های تحصیلی مشترکات و تمایزاتی دارد و دارای طیف وسیعی است که دوران نوجوانی را در برمی‌گیرد و در انتهای طیف به دنیای جوانی می‌رسد (مظفری، ۱۴۰۱).

در دوره متوسطه، قسمت اعظم استعدادهای اختصاصی نوجوان بروز می‌کند و قدرت یادگیری آنان به حد اعلای خود می‌رسد. همچنین، کنجکاوی آنان جهت معینی می‌یابد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند. از این‌روی، نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان برای این دوره، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در نظر می‌گیرند (خدا رحمی، ۱۳۹۸). بر این اساس، اولین و مهم‌ترین وظیفه نظام آموزشی، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به این دوره حساس و شناخت نیازها، چالش‌ها و تقاضاهای آینده آنان است. از این‌روی، آموزش و پرورش برای تحقق شایسته اهداف خود باید بتواند ضمن شناسایی تحولات جهانی و برنامه‌ریزی برای مواجهه با آن‌ها، دانش‌آموزان را به دانش و مهارت‌های روز دنیا مجهز سازد (اشتری، ۱۳۹۵).

از دیدگاه دانشمندان علوم اجتماعی، نسل حاضر در یک فرایند دگردیسی نسلی، برای خود، دنیایی جدید با ارزش‌ها و هنجارهایی متفاوت آفریده‌اند و با هویتی نو، اقتضائات خاص خود را می‌جویند (گلسپی^۱، ۲۰۲۰). تحولات جدید به‌ویژه در حوزه‌های تکنولوژیک، زیست‌بوم آن‌ها را به کلی دگرگون کرده است و سبکی نو از تعاملات آن‌ها با جهان ارائه می‌دهد که اغقاب آن‌ها حافظه مشترکی نسبت به آن ندارند (زابو^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). بومیان عصر دیجیتال با گذر از عصر صنعت به شبکه، سواد رسانه را همچون زبان مادری از کودکی آموخته‌اند و رها از هرگونه قید زمانی و مکانی، تنها با چند کلیک ساده به آنچه می‌خواهند می‌رسند (هانگ^۳ و سانگ^۴، ۲۰۱۹). نسل حاضر، بسیاری از مسائل و چالش‌های گذشته را به راحتی در فعالیت‌های عادی و روزمره خود از سر می‌گذرانند. آنان از تکرار و یکنواختی گریزان بوده و به دنبال تنوع و محیط‌های مهیج و برانگیزاننده هستند (ویلالوز^۵، ۲۰۲۱). بنای باورهایشان بیش از خواندن و شنیدن، متکی بر دیدن و عمل کردن است. آن‌ها باید ببینند، انجام دهند و باور کنند (کوریاتی^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). ساخت یادگیری آن‌ها جهان‌شمول و فرای کلاس درس شده است (هرناندرز^۷ و همکاران، ۲۰۲۰).

تمایل به گفت و شنود و مباحثه‌گری، استقلال‌جویی، تفکر خلاق، عمل‌گرایی، انحصارطلبی، خودراهبری، ماجراجویی، هیجان‌دوستی، تنوع‌طلبی، خیال‌پردازی، برون‌گرایی، همدوستی و زیباشناختی تنها برخی از ویژگی‌های دانش‌آموزان نسل حاضر است که محققان به آن اشاره نموده‌اند (اچلر^۸ و همکاران، ۲۰۲۰؛ عباسی و همکاران، ۱۳۹۷). نسل آلفا با فرصت‌ها و تهدیدهای خود، خانواده، مدرسه و جامعه را به چالش می‌کشد. معلمان به‌عنوان افراد مرجع جامعه و به‌عنوان پیشگامان عرصه آموزش، همواره نیازمند یک تعامل سازنده‌اند تا از تجربه آن اولیاء و دیگر افراد جامعه را بهره‌مند کنند. شناخت این نسل به‌منظور تعامل با آنان در مدرسه و کلاس درس بسیار ضروری است (یورتسون، ۲۰۲۳). حال در مواجهه با چنین ویژگی‌هایی این سؤال اساسی مطرح است که آیا اتخاذ راهبردها و الگوهای یاددهی – یادگیری گذشته می‌تواند پاسخگوی نیازها، علایق و مهارت‌های نسل حاضر باشد و همچنین بتواند یک تعامل سازنده با آن‌هاست برقرار نماید؛ یا اینکه لازم است از

^۱. Gillespie^۲. zabo^۳. Huang & song^۴. Villaluz^۵. Kurniyati^۶. Hernandez^۷. Batchelor

راهبردها و شیوه‌های نوینی بهره گرفت که همسو با ویژگی‌های زندگی آن‌ها باشد؟
راهبردهای یاددهی-یادگیری، رویکردها و جهت‌گیری‌های اصلی معلمان هستند و از جایگاه و نقشی بی‌بدیل در آموزش برخوردارند (میرزایی، ۱۴۰۲). بی‌گمان تدریس موفق و تحقق اهداف غایی آموزش در گرو کیفیت و اثربخشی این راهبردهاست و به‌کارگیری راهبردهای یاددهی - یادگیری بر اساس مؤلفه‌هایی متناسب با نیازها، رغبت‌ها و مهارت‌های دانش آموزان، به خلق فرصت‌های متعدد و متنوع منجر خواهد شد (کیخا و همکاران، ۱۳۹۸).

اسوانزن^۱ (۲۰۱۸) در تحقیقی نتیجه گرفت که تفکر چهاربعدی، ارتباط گر با تصویر، عمل‌گرایی، دیجیتال، ریسک‌پذیر، تفکر واگرا، مشارکت‌جویی و خیال‌پردازی از جمله ویژگی‌های نسل امروز (Z) است و بر این اساس، راهبردهای یاددهی-یادگیری مبتنی بر فعالیت، مشاهده، عمل فکروانه، تحول‌گرایی، ساخت معنی، موقعیت، مشارکت، حل مسئله، پروژه، ارتباط‌گرایی، فناوری، اکتشاف، آزمایش و خطا، انتقادگری، بازی، سرگرمی و نوآوری مناسب آنان می‌باشد.

پراتر^۲ (۲۰۲۰) نیز معتقد است که تغییر عقاید، اولویت‌ها و انگیزه‌های دانش آموزان امروز، معلمان را به سمت استفاده از روش‌هایی پیش می‌برد که به بهترین وجه ممکن، متناسب با خصائص آن‌ها باشد، مانند آموزش‌های فعال، الکترونیکی و گروهی.

آریجی و تورانارا^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی نتیجه گرفتند که روش‌های سنتی یاددهی-یادگیری به‌هیچ‌وجه با خصوصیات فراگیران امروزی سازگاری ندارد و باید از روش‌های فعالی همچون مسئله محور، مبتنی بر پرس‌وجو، سازنده‌گرایی و الکترونیکی استفاده کرد.

عباسی کیانی و شمس مورکانی (۱۳۹۷) در تحقیقی به این نتیجه دست یافتند که با توجه به ویژگی‌های نوجوانان و جوانان در عصر فناوری، یاددهی-یادگیری سنتی کارایی و اثربخشی خود را از دست داده و لازم است، شیوه‌های نوینی چون یادگیری از راه دور، الکترونیکی، شبکه‌ای و مادام‌العمر جایگزین آن شوند.

ناعمی (۱۳۹۷) در پژوهشی به مطالعه میزان کاربست راهبردهای مطالعه و یادگیری و رابطه آن با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار پرداخت و به این نتیجه رسید که بین میزان به‌کارگیری راهبردهای مطالعه و یادگیری و رابطه آن با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه نظری ارائه شده پژوهش حاضر با هدف شناسایی و مصداق‌یابی راهبردهای یاددهی- یادگیری در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره اول متوسطه به دنبال آن است تا علاوه بر شناسایی راهبردهای یاددهی - یادگیری برنامه درسی علوم اجتماعی، مصداق این راهبردها را در دوره اول متوسطه استخراج و ارائه نماید.

سؤالات پژوهش

۱. راهبردهای یاددهی- یادگیری مناسب در کتاب‌های علوم اجتماعی دوره متوسطه اول کدام است؟

۲. مصداق‌های کاربردی راهبردهای یاددهی- یادگیری در کتاب‌های علوم اجتماعی دوره متوسطه اول کدام است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. با توجه به ارتباط مستقیم متغیرهای اصلی پژوهش با دو رشته علوم تربیتی و جامعه‌شناسی، جامعه آماری از استادان دانشگاه فرهنگیان مرتبط با این دو حوزه معرفتی در نظر گرفته شد که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ مشغول به تدریس بوده‌اند. شیوه نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با انتخاب افرادی انجام شد که اطلاعات ارزشمند و غنی در ارتباط با موضوع مورد تحقیق داشتند (کرسل^۴، ۲۰۰۷). پژوهش با حضور ۱۹ نفر از صاحب‌نظران در موضوع موردپژوهش، متشکل از ۱۲ نفر در رشته علوم

^۱. Swenzen

^۲. Prater

^۳. Arijzi & Turanara

^۴. Cereswell

تربیتی و ۷ نفر در رشته علوم اجتماعی در خصوص سؤالات پژوهش، مصاحبه به عمل آمد. معیار تعداد مصاحبه‌شوندگان، حصول اشباع و تکرار داده‌ها بود (آنیگازی و لیچ، ۲۰۰۷).

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که تمامی آن‌ها با کسب اجازه ضبط شد. مصاحبه هر فرد پس از پیاده‌سازی مجدداً مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت. زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه متغیر بود. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل ساختاری و تفسیری استفاده شد. در تحلیل ساختاری مصاحبه‌های ضبط‌شده مکتوب و با مطالعه دقیق به‌صورت تلخیص جملات کلیدی مشابه در قالب مقوله‌ها سازمان‌دهی می‌شوند. این دسته‌بندی از طریق فرایند سه مرحله‌ای استخراج واحدهای معنایی، مضامین فرعی و درنهایت، مضامین اصلی صورت گرفت. با مشخص شدن مضامین اصلی، پاسخ‌ها در قالب جداول و بحث به‌صورت فراوانی گزارش شدند. ضمن آنکه به‌منظور رعایت اصل محرمانه بودن اطلاعات در نقل قول مستقیم و غیرمستقیم از کدهای عددی به‌عنوان جایگزین برای نام مصاحبه‌شوندگان استفاده شد. در تحلیل تفسیری نیز تا حد امکان به آشکار کردن پیام‌های مستور در متن اصلی مصاحبه‌ها توجه شد (کریمی و نصر، ۱۳۹۲). برای مدیریت و افزایش دقت در تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Maxqda استفاده شد؛ همچنین در زمینه تأیید اعتبار و دقت و صحت داده‌ها از چهار معیار باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد (گوپا و لینکولن، ۱۹۸۲).

یافته‌های پژوهش

۱- راهبرد یاددهی-یادگیری مشارکتی (فعال)

یاددهی-یادگیری مشارکتی در بردارنده همیاری و تعامل دانش آموزان در فعالیت‌های درسی به‌منظور ارتقای کیفیت یادگیری است. در این رویکرد فراگیران در امر یادگیری درگیر شده و یادگیری خود را به حداکثر می‌رسانند. یادگیرندگان با همکاری سایر اعضای گروه نقشی فعال را در کلاس اجرا نموده و معلم نقش تسهیل گر و سازمان دهنده کار گروهی، مشاور و مربی را ایفاء می‌کند. در کلاس درس استقلال وجود دارد و گروه‌های یادگیری کوچک در کلاس شکل می‌گیرد (مظفری، ۱۴۰۱). تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

جدول ۱: ابعاد راهبرد یاددهی-یادگیری مشارکتی

تعداد	کد مصاحبه‌شوندگان	مضامین فرعی
۱۹	۱-۱۹	بهره‌گیری از الگوهای فعال مبتنی بر خانواده اجتماعی
۱۷	۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷، ۱۸،۱۹	بهره‌گیری از الگوهای فعال مبتنی بر خانواده پردازش اطلاعات
۱۵	۱،۲،۳،۴،۷،۸،۹،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱ ۹	چیدمان کلاسی (نملی یا یو شکل)

۱-۱ الگوهای فعال مبتنی بر خانواده اجتماعی

طراحی الگوهای خانواده اجتماعی بدین منظور است که استفاده‌ی بهینه از انرژی جمعی با برپا کردن گروه‌های یادگیری فراهم شود (جوینس و همکاران، ۲۰۱۵). اساساً مدیریت کلاس درس چیزی جز شکل دادن به روابط همکارانه در کلاس درس نیست. ایجاد و خلق فرهنگ سازنده در مدرسه، فرایند شکل‌گیری انواع تعامل‌های مولد و نیز تثبیت هنجارهایی است که سطح اتکا فعالیت‌های جدی یادگیری را فراهم می‌آورد. از جمله الگوهای کاربردی این خانواده می‌توان به الگوی یاران در یادگیری، الگوی تفحص گروهی، الگوی ایفای نقش، الگوی کاوشگری به شیوه محاکم قضایی، الگوی اعضای تیم و الگوی کارایی تیم اشاره نمود (جوینس و همکاران، ۲۰۱۵). همان‌طور که از جدول شماره (۱) برداشت می‌شود، تمامی مصاحبه‌شوندگان بر بهره‌گیری از الگوهای خانواده اجتماعی به دلیل مأنوس و همخوان بودن با دروس علوم اجتماعی تأکید داشته‌اند.

۲- الگوهای فعال مبتنی بر خانواده پردازش اطلاعات

الگوهای پردازش اطلاعات، گرایش فطری انسان برای درک و فهم جهان از طریق دستیابی به داده‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها، درک مسائل و تولید راه حل قطعی برای آن و ارائه مفاهیم و زمان مناسب برای انتقال آن‌ها با دیگران را مورد تأکید قرار می‌دهد (جوینس و همکاران، ۲۰۱۵). بسیاری از الگوهای این خانواده برای مطالعه خود و جامعه نیز مناسب بوده و می‌تواند دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی تعلیم و تربیت را ممکن سازد. از جمله الگوهای فعال و کاربردی این خانواده می‌توان به الگوی بدیعه پردازی، الگوی دریافت مفهوم، الگوی پیش سازمان دهنده، الگوی تفکر استقرایی، الگوی کاوشگری علمی، الگوی بارش فکری، الگوی قضاوت عملکرد و الگوی یادگیری اشاره نمود (جوینس و همکاران، ۲۰۱۵). همان‌طور که از جدول شماره (۱) برداشت می‌شود ۱۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان بر بهره‌گیری از الگوهای خانواده پردازش اطلاعات به دلیل همخوان بودن با دروس علوم اجتماعی تأکید داشته‌اند.

۳-۱-۴. چیدمان کلاسی

یکی از عواملی که بر روی رفتار و یادگیری دانش آموزان تأثیر می‌گذارد، چیدمان کلاس درس است. دیوید پی واسنک^۱ (۲۰۱۰) با بررسی محیط کلاس درس و توجه به چینش و ترتیب صندلی‌ها به نقش متفاوت چیدمان صندلی بر میزان یادگیری و ایجاد تمرکز فراگیران برای یادگیری پی برد. تغییر چینش صندلی‌های کلاسی، متناسب با موضوع و عنوان هر درس، رفتار فراگیران را تحت تأثیر محیط قرار داده و موجب افزایش مشارکت آنان در مباحث درسی می‌شوند (صراف و همکاران، ۱۴۰۲)؛ بنابراین، چیدمان کلاس درس باید به نوعی باشد که همه دانش آموزان از توجه معلمان خود برخوردار باشند. وقتی فراگیران از سمت معلم خود مورد توجه باشند، باعث می‌شود که سر کلاس منضبط‌تر باشند و شیطنت‌ها و بی‌نظمی‌های آن‌ها کم شود. تغییر در چیدمان کلاس به تعامل بیشتر فراگیران و پیشرفت درسی آنان کمک می‌رساند (میرزایی، ۱۴۰۲). همان‌طور که از جدول شماره (۱) برداشت می‌شود ۱۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان بر بهره‌گیری از چیدمان کلاسی یو یا نعلی شکل به دلیل چهره به چهره بودن فراگیران و تعامل بیشتر آن‌ها با همدیگر تأکید داشته‌اند.

۲- راهبرد یاددهی- یادگیری الکترونیکی

یادگیری الکترونیکی را می‌توان کاربرد هدفمند فناوری‌های شبکه‌ای اطلاعات و ارتباطات در فرایند تدریس و یادگیری دانست. امروزه می‌توان با غرق کردن دانش آموزان در واقعیت مجازی، تجربه واقعی در آموزش ایجاد کرد و با شبیه‌سازی موقعیت‌های سخت و پیچیده، فرصت‌های بیشتری را برای یادگیری دانش آموزان به وجود آورد. روش‌های واقعیت مجازی و واقعیت افزوده دارای قدرت تعاملی بالا و دقت بالا در ارزشیابی می‌باشند (اشتری، ۱۳۹۵).

جهان آینده مقارن با تحولاتی شگرف و بی‌سابقه در عرصه‌های علم و فناوری و انتقال اطلاعات خواهد بود. زیستن در چنین جهانی موجب می‌شود تا شکاف عمیقی میان نسل نوظهور یادگیرندگان با عنوان نسل آلفا با نسل‌های پیشین پدید آید و شیوه‌های مرسوم یادگیری را ناکارآمد سازد (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰). پس از تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان، همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، چهار مضمون فرعی ناظر بر ابعاد مختلف راهبرد یاددهی الکترونیکی شناسایی شد؛ که ۱۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان تناسب آن را با ویژگی‌های دانش آموزان دوره متوسطه اول مورد تأکید قرار دادند.

^۱. David P. Wasnack

جدول ۲: ابعاد راهبرد یاددهی- یادگیری الکترونیکی

مضامین فرعی	کد مصاحبه‌شوندگان	تعداد
استفاده از پیام‌رسان‌های مجازی	۱-۱۹	۱۹
استفاده از نرم‌افزارها و فیلم‌های آموزشی	۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹	۱۱
معرفی و استفاده از وبسایت‌های علمی	۱، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸	۹
ارائه تکالیف مجازی	۱، ۲، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴	۷

۱-۲- استفاده از پیام‌رسان‌های مجازی

از نظر مصاحبه‌شوندگان، امروزه پیام‌رسان‌های مجازی به‌عنوان بخشی از زندگی دانش‌آموزان و یکی از مؤثرترین ابزارها در آموزش است. در همین ارتباط کد ۹ ابراز می‌کند: «امروزه ایجاد گروه‌های درسی در پیام‌رسان‌ها تعاملات علمی بین معلم و دانش‌آموزان را بسیار آسان، مؤثر و کم‌هزینه کرده است». کد ۱۱ می‌گوید: «شرایط همه‌گیری کرونا و گسترش فضای مجازی جهت ارائه آموزش‌ها، سرعت زیاد پیام‌رسان‌های جدید در اشتراک‌گذاری مطالب درسی استفاده از پیام‌رسان‌ها را آسان و الزامی ساخته است».

۲-۲- استفاده از نرم‌افزارها و فیلم‌های آموزشی

به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، استفاده از نرم‌افزارها و فیلم‌های آموزشی در بین نسل امروزی بخصوص دانش‌آموزان بسیار فراگیر است. کد ۵ معتقد است «دانش‌آموزان امروزه دیدن و شنیدن را بر خواندن و نوشتن ترجیح می‌دهند». کد ۱۷ می‌گوید: «دنیای امروز دنیای رسانه‌هاست و دانش‌آموزان بسیار با فضای مجازی عجین شده‌اند و با دیدن یک فیلم چند دقیقه‌ای کلی مطلب یاد می‌گیرند».

۳-۲- استفاده از وب سرچ‌های علمی

کد ۱۸ معتقد است «امروزه وبسایت‌های علمی، یکی از مهم‌ترین مراجع علمی قابل دسترس برای همه است. معلمان باید ضمن شناخت و معرفی وبسایت‌های معتبر، مانع استفاده دانش‌آموزان از اطلاعات نامعتبر شوند». کد ۱۰ می‌گوید «بهره‌گیری از وبسایت‌ها برای کسب اطلاعات برای جامعه دانش‌آموزی یک الزام است و دانش‌آموزان همگی حتی بهتر از معلمان به این فضا دسترسی داشته و ساعت‌های زیادی از آن بهره می‌برند».

۴-۲- ارائه تکالیف مجازی

از دیدگاه استادان، امروزه از طریق فضای مجازی می‌توان تکالیفی متناسب با طیف وسیع علایق، مهارت‌ها و نیازهای دانش‌آموزان ارائه داد. در همین راستا، کد ۴ عنوان می‌کند «امروزه قابلیت‌های فضای مجازی مثل دقت، سرعت، کیفیت و بازخورد فوری موجب اقبال بیشتر دانش‌آموزان به انجام تکالیف مجازی نسبت به تکالیف مداد-کاغذی شده است». کد ۱۴ اظهار می‌کند «امروزه امکان انجام برخی از تکالیف تعاملی و گروهی در فضای مجازی بسیار آسان‌تر و متنوع‌تر و خلاق‌تر است».

۳-۴. راهبرد یاددهی-یادگیری پروژه محور

آموزش اشریخ در دوران جدید در گرو تلفیق مطالعات نظری با پروژه‌های عملی است. شواهد بیانگر این هستند که یادگیری پروژه محور کیفیت یادگیری را افزایش می‌دهد و به تقویت قوای ذهنی دانش آموزان از طریق درگیر کردن آنان با مسائل پیچیده و جدید می‌انجامد، واضح است که این روش به دانش آموزان فرایندهای پیچیده، نظیر برنامه‌ریزی و ارتباطات را آموزش می‌دهد. پس از تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان، همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود مضامین فرعی متعددی ناظر بر ابعاد راهبرد یاددهی - یادگیری مبتنی بر پروژه شناسایی شد.

جدول شماره ۴: ابعاد راهبرد یاددهی-یادگیری پروژه محور

مضامین فرعی	کد مصاحبه‌شوندگان	تعداد
تلفیق علم و عمل	۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۱۵
بازدیدها و سفرهای علمی	۱۹، ۱۴، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۴، ۵	۱۱
تهیه فیلم و عکس	۹ و ۱۱ و ۱۳ و ۳ و ۶	۵
ارائه کنفرانس‌های کلاسی	۱۵ و ۱۴ و ۸ و ۵ و ۲	۵

۳-۳. تلفیق علم و عمل

به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان در شرایط فعلی، امکان تدریس عملی بسیار بیشتر از گذشته است. دانش آموزان امروزی باید ببینند و انجام دهند تا یاد بگیرند. در همین ارتباط کد ۵ می‌گوید «قدرت تفکر انتزاعی دانش آموزان در این دوره هنوز پایین است. آن‌ها جهت درک مطالب و یادگیری آن باید امکان تجربه کردن داشته باشند». کد ۱۸ معتقد است «در دنیای آموزش امروزی تلفیق علم و عمل و تجربه‌آموزی از اجزای ضروری آموزش است».

۳-۲. بازدیدها و سفرهای علمی

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، تدارک بازدیدها و سفرهای علمی در راستای ارتقای یادگیری در حال حاضر، بسیار آسان‌تر از گذشته است. در همین راستا، کد ۵ ابراز می‌کند «لحظات خاطره‌انگیز اردوهای علمی موجب افزایش انگیزه یادگیری دانش آموزان می‌گردد». کد ۱۴ معتقد است «دیدن و تجربه کردن و رفتن به اردوهای علمی و بازدید از امکان تاریخی و تفریحی باعث عمیق‌تر شدن یادگیری و ماندگاری آن در دانش آموزان می‌گردد».

۳-۳. تهیه فیلم و عکس

مصاحبه‌شوندگان معتقدند که امروزه تهیه فیلم و عکس کمک شایانی به کیفیت آموزش کرده است. در همین رابطه کد ۳ عنوان می‌کند «امروزه فناوری فرصت خوبی ایجاد کرده که دانش آموزان به راحتی قادر به تهیه فیلم و عکس گردند». کد ۱۳ اظهار می‌کند «در گذشته فعالیت‌های عملی بیشتر در قالب روزنامه دیواری بود؛ اما امروزه با افزودن عکس، انیمیشن و فیلم یادگیری می‌تواند جذابیت بیشتری پیدا کند».

۳-۴. ارائه کنفرانس‌های کلاسی

از نظر مصاحبه‌شوندگان، امروزه دانش آموزان، توانمندی‌های زیادی در ارائه مطالب درسی به شکل‌های متنوع و گوناگونی را دارند. کد ۱۶ معتقد است «با آمدن هوش مصنوعی به صحنه فضای مجازی انگیزه یادگیری برای دانش آموزان بیشتر و آسان‌تر شده است، با بهره‌گیری از هوش مصنوعی بومیان دیجیتال بهتر می‌توانند توانمندی و تسلط خود را به معلم و کلاس در خصوص تسلط بر این فضا نشان دهند».

۴-۴. راهبرد یاددهی-یادگیری حل مسئله

در فرایند یاددهی-یادگیری باید بتوان فرصت‌هایی را فراهم کرد تا دانش آموز یاد بگیرد؛ در عبارت دیگر معلم باید موقعیت‌هایی را ایجاد کند تا یادگیرندگان خودشان به‌تنهایی و با تأمل و تفکر بتوانند یاد بگیرند. به طور کلی آموزش یعنی ایجاد مسئله توسط معلم و حل آن توسط

دانش آموزان. در جریان حل مسئله، ضمن بازنامایی مشکل در قالب یک تصویر ذهنی، نقشه‌ای برای حل آن طراحی شده است و به اجرا درمی‌آید. این فرایند به‌منظور اصلاح و بهسازی، کنترل و بازنگری می‌شود (میرحیدری، ۱۴۰۲). دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با راهبرد یاددهی - یادگیری حل مسئله، در جدول (۴) مشاهده می‌شود.

جدول ۴: ابعاد راهبرد یاددهی - یادگیری حل مسئله

تعداد	کد مصاحبه‌شوندگان	مضامین فرعی
۱۹	۱-۱۹	تلفیق دروس با مسائل واقعی زندگی
۱۷	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹	تبیین مسائل اصلی هر درس
۱۷	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹	ارائه مفاهیم در قالب مسئله
۱۵	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹	ارائه تکالیف مسئله محور

۱-۴- تلفیق دروس با مسائل واقعی زندگی

به باور استادان، برقراری ارتباط میان مفاهیم درسی با شواهد و مسائل واقعی زندگی برای دانش آموزان عینیت گرا و نامطمئن امروز بسیار مهم است. در همین زمینه کد ۱۱ تأکید می‌کند «تبیین مسائل جدید در مفاهیم درسی امروز نیازمند استفاده از مثال‌های عینی و واقعی می‌باشد». کد ۱۳ می‌گوید «به کمک تکنولوژی می‌توان بسیاری از مفاهیم انتزاعی درس را به صورت عینی‌تر توضیح داد». کد ۱۹ می‌گوید «بسیاری از مطالب درسی و اجتماعی امروز را تنها در پیوند با مسائل واقعی زندگی می‌توان آموزش داد».

۲-۴- تبیین مسائل اصلی هر درس

ازنظر مصاحبه‌شوندگان، امروزه انگیزه دانش آموزان برای مطالعه متکی بر درک روشن آن‌ها از مسائل اساسی هر درس است. در همین ارتباط کد ۳ بیان می‌کند «بخصوص در مسائل اجتماعی دانش آموزان به دنبال دلیل و چرایی رفتارها و مسائل اطراف خود هستند». کد ۱۶ ابراز می‌کند «دانش آموزان امروزی برای ارائه هر مطلبی درسی به دنبال فایده آن در زندگی روزمره و کاربردی بودن آن هستند. در مسائل اجتماعی بایستی به دنبال کاربردی کردن آن بود».

۳-۴- ارائه مفاهیم در قالب مسئله

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، ارائه مفاهیم درسی به‌صورت قالبی و کلیشه‌ای، مناسب ذهن مسئله مدار دانش آموز امروز نیست. در همین راستا کد ۱۱ معتقد است «ارائه مطالب درسی در قالب حل یک مسئله باعث افزایش علاقه به یادگیری و همفکری دانش آموزان برای حل آن می‌گردد. بخصوص در مسائل اجتماعی بیان معضلات اجتماعی به شکل مسئله باعث افزایش علاقه و قدرت تفکر فراگیران می‌شود». کد ۱۷ عنوان می‌کند «تلاش برای حل مسئله و درگیری ذهنی یادگیری را عمیق‌تر و پائین‌تر می‌سازد».

۴-۴- ارائه تکالیف مسئله محور

به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، امروزه معلمان باید رویکرد خود را از ارائه تکالیف حفظی تو دنیایی پر چالش امروز به تکالیف مسئله مدار تغییر دهند. در همین رابطه کد ۸ اظهار می‌کند «امروزه با وجود منابع اطلاعاتی ارزش تکالیف مسئله محور بسیار بیشتر از تکالیف تکراری مبتنی بر محفوظات است». کد ۱۹ تأکید می‌کند «ارائه تکالیف مسئله محور متناسب با تفاوت‌های فردی فراگیران بسیار متنوع و سرگرم کننده است. بخصوص در مسائل اجتماعی و گروهی باعث رفع یک مشکل و ایجاد یک محیط آرام تر و سازگارتر برای دانش آموزان می‌گردد».

جدول ۱: مصفاای بانی راهبردهای یاددهی - یادگیری در کتابهای علوم اجتماعی دوره متوسطه اول

پایه	راهبرد یاددهی یادگیری مشارکتی	راهبرد یاددهی الکترونیکی	راهبرد یاددهی یادگیری پروژه محور	راهبرد یاددهی یادگیری حل مسئله
هفتم	فصل هشتم: محیط زندگی خود را فصل نهم: سرزمین ما، گوشه سرزمینهای دور فصل یازدهم: اوضاع اجتماعی اقتصادی ایران باستان	فصل پنجم: محیط زندگی خود را بشناسیم فصل چهارم: مصرف	فصل دوم: چرا به قانون نیاز داریم فصل هشتم: جنبههای گردشگری ایران	
هشتم	فصل اول: تعاون فصل چهارم: عصر ارتباطات	فصل ششم: عصری تازه در تاریخ ایران فصل چهارم: عصر ارتباطات	فصل دهم: منطقه جنوب غربی آسیا و جایگاه ایران در آن فصل سوم: آسیبهای اجتماعی و پیشگیری از آن فصل اول: تعاون ۲	فصل دوم: نقش دولت در اداره کشور فصل سوم: آسیبهای اجتماعی و پیشگیری از آن
نهم	فصل دوم: آب فراوان هوای پاک فصل هشتم: انقلاب اسلامی ایران فصل دهم: خانواده و جامعه	فصل هشتم: ایران در عصر مشروطه فصل سوم: پراکندگی زیست‌بومهای جهان.....	فصل هشتم: ایران در دوران حکومت پهلوی فصل اول: حرکات زمین	فصل سوم: زیست‌بومها در خطرند فصل چهارم: جهان نابرابر

بحث و نتیجه گیری

انتریکشنی راهبردهای یاددهی-یادگیری در یادگیری علوم اجتماعی از مسائل مهم و قابل توجه جریان آموزش می باشد. یکی از عواملی که نقش مهمی در انتریکشنی مدارس می تواند ایفا کند، فرایندهای یاددهی و یادگیری است. فرایندهای یاددهی و یادگیری از عناصر اصلی برنامه درسی است و در فرایند آموزش و یادگیری نقش بارزی را ایفا می کند. توفیق معلم در رسالت تربیتی خود مستلزم به روز رسانی مداوم شیوه های تدریس منطبق با ویژگی های فراگیران است. بر اساس دیدگاه های صاحب نظران، امروزه اگرچه راهبردهای یاددهی-یادگیری سنتی بنا به ضرورت در کنار دیگر راهبردها قابل استفاده اند، اتخاذ آن ها به عنوان رویکرد اصلی در تدریس هیچ گونه سختی یا خصوصیات نسلی دانش آموزان امروز ندارد و انتقال و خودمندی آن ها را به دنبال دارد. با توجه به یافته های پژوهش، بهره گیری از چهار راهبرد یاددهی-یادگیری مشارکتی، الکترونیکی، پروژه محور و حل مسئله، به ترتیب دارای بیشترین همگونی با ویژگی های نسلی دانش آموزان دوره متوسطه اول امروز است. در این راهبردها که تحت عنوان دانش آموز محور یا فعال شناخته می شوند، قسمت عمده تدریس مبتنی بر فعالیت های دانش آموز است و نقش معلم، تنها نظارت و راهنمایی است. این یافته ها با یافته های یورتسون (۲۰۲۳) و وست وود (۲۰۲۳) و یوسفی (۱۴۰۰) همسو می باشد.

در نهایت این راهبردها می بایست به جای انتقال انبوه اطلاعات به مغز و حافظه دانش آموزان، به آن ها یاد بدهد که چگونه یاد بگیرند، چگونه با مسائل برخورد کنند، چگونه توانایی حل مسئله و گشودن گره ها و معضلات را در خود پرورش دهند، این یافته نیز با یافته های مظفری (۱۴۰۱) و میرزایی (۱۴۰۲) همسو می باشد. یعنی شخصیت هر فردی آن چنان رشد کند که بتواند خود را هدایت کند، تصمیم بگیرد و دابری درست انجام دهد. مسلماً داشتن یک نگاه همه جانبه و تلفیق چند راهبرد با همدیگر می تواند تمام آنچه را که در تدریس و یادگیری مؤثر است در برداشته و نمتناهد رشد همه جانبه دانش آموزان را فراهم سازد بلکه متناسب با ویژگی های سنی و نسلی آنان نیز باشد.

منابع

- اشتری ماهینی، مریم؛ کلارستاقی، منوچهر (۱۳۹۵). هوش مصنوعی در فرایند یاددهی - یادگیری. اولین همایش ملی فناوری در مهندسی کاربردی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- جویس، بروس؛ کالهن، امیلی؛ ویل، مارشال (۲۰۱۵). الگوهای تدریس سال ۲۰۱۵. ترجمه محمدرضا پهرنگی (۱۳۹۸). تهران: کمال تربیت.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۰). مهارت های آموزشی و پرورشی. تهران: سمت.
- صراف، محدثه، البرزی، فریبا، امینی، امیرحسین (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر عناصر کالبدی فضاهای آموزشی بر ارتقای خلاقیت کودکان با تحلیل گرافیکی نقاشی نشریه معماری و شهرسازی، ۱۶ (۴۲): ۹۱-۱۰۵.

عباسی کیانی، حامد و شمس مورکانی (۱۳۹۷). رشد فناوری، تغییر یادگیری، فصلنامه رشد فناوری، شماره ۵۴، کریمی، صدیقه و نصر، احمدرضا (۱۳۹۲). روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه، مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۴، کیخا، علیرضا، ملکی، حسن، شریعتی، صدرالدین و صادقی، علیرضا (۱۳۹۸). تدوین و اعتباریابی راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی فطرت گرای توحیدی. راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، (۱۲،۲).

مظفری بومحیدی، مرتضی؛ سلیمانی مهر، سمیه؛ رحمتی، عاطفه (۱۴۰۱). بررسی مهم‌ترین راهبردهای یاددهی - یادگیری مؤثر در آموزش علوم اجتماعی. پنجمین همایش بین‌المللی روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی.

میرحیدری، اشرف (۱۴۰۲). آنچه هر معلمی باید بداند. اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان. چاپ هشتم.

میرزایی، صبا؛ اسکندری، فاطمه (۱۴۰۲). روش‌های تدریس نوین ویژه مدارس ابتدایی. تهران: نوروزی.

ناعمی، علی‌محمد (۱۳۹۷). میزان به کارگیری راهبردهای مطالعه و یادگیری و رابطه آن با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار. ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.

وست وود، پیتراش (۲۰۲۳). راهبردهای یاددهی - یادگیری اثربخش. ترجمه محسن فروتن و رباب طاهری (۱۴۰۲). تهران: طاهری.

یورتسون، نیال (۲۰۲۳). معلم نسل آلفا. ترجمه محرم نقی زاده و کیارش رمضان نژاد (۱۴۰۲). تهران: مرآت.

یوسفی، الهام و دیگران (۱۴۰۰). شکاف نسلی و راهبردهای یاددهی - یادگیری در دوره ابتدایی: رویکردی آینده پژوهانه. فصلنامه آینده پژوهی. شماره ۸، سال بیستم.

Batchelor, S. Fraser, A. Whittaker, L. & Li, L. (2020). Precarious leisure: (re)imagining youth, transitions and temporality. *Journal of youth studies*, 23(1) 1-16.

Gillespie, A. (2020). The politics of millennials: political beliefs and policy preferences of america's most diverse generation. *Journal of race, ethnicity and politics*, 5(1), 242-245.

Guba, E. G. & Lincoln, Y. S. (1982). Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry. *ECTJ*, 30(4), 233-252.

Hernandez-de-Menendez, M. Diaz, C. A. E. & Morales-Menendez, R. (2020). Educational experiences with generation Z. *International journal on interactive design and manufacturing (IJIDeM)*, 14(3), 847-859.

Huang, K. & Song, Q. (2019). Strategy research on parent-child communication between family educations in network era. *Journal of contemporary educational research*, 3(5).

International journal of child, youth and family studies, 9(2), 125-150.

Kurniyati, E. & Arwen, D. (2020). The implementation of character education to generation Z in indonesia. In *international conference on community development (ICCD 2020)*, 244-248. Atlantis Press.

Mane, D. T. (2020). Active teaching learning methods for improving students engagement in the Motakef, A. Von Schuch, B. Tidwell, L. E. Chang, D.

Motakef, A. Von Schuch, B. Tidwell, L. E. Chang, (2020). Comparison of active versus traditional teaching methods in allied health programs:

Onwuegbuzie, A. J. & Leech, N. L. (2007). Sampling designs in qualitative research: Making the sampling process more public, *Qualitative report*, 12 (2), 238-254.



- Orij, A. & Torunarigha, Y. D. (2020). Digitized education: examining the challenges of digital immigrant educators in the face of net generation learners. *KIU journal of social sciences*, 5(4), 337-347.
- Prater, M. R. (2020). Teaching millennials and generation z: new opportunities in undergraduate medical education. In *handbook of research on the efficacy of training programs and systems in medical education* (pp. 72-91). IGI Global.
- Shatto, B. & Erwin, K. (2017). Teaching millennials and generation Z: bridging the generational divide. *Creative nursing*, 23(1), 24-28.
- Swanzen, R. (2018). Facing the generation chasm: the parenting and teaching of generations Y and Z.
- Villaluz, G. D. C. (2021). Activity preferences of generation z students for tertiary physical education: implications for curriculum enhancement. *Multidisciplinary journal for education, social and technological sciences*, 8(2), 92-106.
- zabo, C. M. Bartal, O. & Nagy, B. (2021). The methods and it-tools used in higher education assessed in the characteristics and attitude of gen Z. *Acta polytechnica hungarica*, 18(1), 121-140.

Identifying and exemplifying teaching-learning strategies in the social science curriculum of the first year of high school

Ashraf Mirheidari *¹ and Abazar Kafi Mousavi²

Abstract

The purpose of the current research was to identify and exemplify teaching-learning strategies in the social science curriculum of the first year of high school. The qualitative research approach has been carried out using the content analysis method. The statistical population was the professors of Farhangian University in the fields of educational sciences and sociology, and the sampling method was purposeful and selected people who had valuable and rich information related to the subject of the research. The sample size was made up of 19 experts in the research topic. The data collection tool was a semi-structured interview, and the criteria for the number of interviewees was to achieve saturation and repeat the data. Data analysis has been carried out by means of structural and interpretative analysis. In order to manage and increase accuracy in data analysis, maxqda software was used, and four criteria of believability, reliability, verifiability and transferability were used in the context of confirming the validity and accuracy of data. The findings of the research showed that electronic, collaborative, problem-solving and project-based teaching-learning strategies were the most suitable strategies for the social science curriculum of the first secondary school among all the teaching-learning strategies. Out of these four strategies, two teaching strategies - e-learning and cooperative learning have the most frequency (19 people) according to the interviewees.

Keywords: teaching-learning strategies, curriculum, social sciences, first secondary.

¹. Assistant Professor, Educational Science, Farhangian University, Iran.

². Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran.